گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید شهروز مظفری‌نیا از محافظان حاج‌قاسم سلیمانی

مرید حاج‌قاسم بود و در کنار او شهید شد

صغری خیل‌فرهنگ

در سیزدهمین روز دی ۱۳۹۸، انتشار خبری در رسانه‌ها موجب بهت و اندوه همگان شد. خبری که باور کردنش سخت و دشوار بود. حاج‌قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی و همراهان‌شان در حمله پهپادهای امریکایی به فرودگاه بغداد به شهادت رسیدند. در کنار این دو فرمانده رشید، چهار نفر از همراهان و محافظان سردار سلیمانی نیز به شهادت رسیدند. شهیدان حسین پورجعفری، هادی طارمی، وحید زمانیان و شهروز مظفری‌نیا از محافظان سردار بودند که در آخرین مأموریت‌شان در کنار فرمانده خود به افتخار شهادت نائل آمدند. با نیت شناساندن این شهدا به سراغ خانواده‌هایشان رفتیم که در این شماره به معرفی زندگی، سیره و منش شهید شهروز مظفری‌نیا در گفت‌وگو با برادرش مرتضی مظفری‌نیا می‌پردازیم.

برادرتان متولد چه سالی بودند؟ مختصری از زندگی ایشان بگویید.

شهروز متولد سال ۱۳۵۷ و هم‌سن انقلاب بود. شش ماه قبل از پیروزی انقلاب در کهک قم به دنیا آمد اما در تهران زندگی کرد و بزرگ شد. ما چهار برادر هستیم که از میان ما، شهروز به دست مستقیم ترامپ ملعون به شهادت رسید. ما در خانواده‌ای مؤمن و مذهبی رشد کردیم. فضای خانواده ما به لحاظ اعتقادات و ارادت به اهل بیت(ع) به گونه‌ای بود که ما را در مسیر اسلام و تبعیت از ولایت قرار داد. شهروز هم در این فضا بزرگ شد و قد کشید. برادرم دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در مدارس تهرانپارس سپری کرد. عضو فعال پایگاه بسیج بود و روحیه بسیجی‌اش زبانزد خاص و عام بود.

بسیجی کدام پایگاه بود؟

شهروز در بسیج پایگاه شهید حسن حقیقی مسجد حضرت ابوالفضل(ع) منطقه سراج تهرانپارس فعالیت‌های فرهنگی زیادی انجام می‌داد. از برگزاری مراسم ادعیه و عزاداری‌های اهل بیت(ع)، تا برگزاری یادواره شهدا فعالیت داشت. برادرم وقتش آزاد می‌شد خودش را به این پایگاه می‌رساند و به امور بسیج می‌رسید. شهروز علاقه زیادی به کمک به مردم داشت. دلش می‌خواست در هر زمینه‌ای باری از روی دوش مردم بردارد.

چه زمانی وارد سپاه شد؟

شهروز سال ۱۳۸۱ به عضویت سپاه درآمد و نیت کرد در این لباس خدمت کند.

گفته می‌شود شهید مظفری‌نیا در انتظار فرزندش بود که شهید شد.

بله، از ایشان دو فرزند دختر ۱۱ ساله و هفت ساله به یادگار مانده و در انتظار تولد فرزند سومش بود که به شهادت رسید. شهروز به مادرم سفارش کرده بود که مادرجان وقتی فرزندم به دنیا آمد من نیستم، خودت باید همه‌جوره هوای او و خانواده‌ام را داشته باشی.

می‌دانستید برادرتان محافظ حاج‌قاسم است؟ در مورد مسئولیتش برای شما صحبت کرده بود؟

ما از زبان خودش نشنیدیم که محافظ سردار سلیمانی است اما همین اواخر از طریق صداوسیما و رسانه‌ها تصاویرش را کنار حاج‌قاسم دیدیم و متوجه مسئولیتش شدیم. شهروز به خاطر مباحث امنیتی و اخلاق شخصی خودش اصلاً این موارد را مطرح نمی‌کرد. ما هم از او توضیح نمی‌خواستیم. می‌دانستیم از نیروهای حاج‌قاسم است و ارادت زیادی به ایشان دارد. یکی از خصوصیت‌های بارز ایشان امانتداری بود. شما اگر مال و جنس‌تان را در اختیار ایشان می‌گذاشتید به همان شکل به شما تحویل می‌داد. این در مورد امور نظامی و مسائل کاری و امنیتی به مراتب شدیدتر مراعات می‌شد. صحبتی از کارشان و مأموریت‌شان در منزل نداشت که نکند در میان حرف‌های‌شان خبر و اطلاعاتی باشد که نباید به بیرون درز کند. ما هم حساسیت ایشان را درک می‌کردیم و اصلاً از ایشان نمی‌پرسیدیم که به کارشان صدمه‌ای وارد نشود.

شرایط کاری برادرتان و خطراتی که برایش وجود داشت برای خانواده سخت نبود؟

به عنوان یک شخص نظامی خطرات احتمالی وجود داشت اما ما خودمان را برای هر اتفاقی آماده کرده بودیم. وقتی شهروز می‌خواست وارد سپاه شود این موضوع را با پدر و مادرم مطرح کرد و از آنها اجازه گرفت و با استقبال والدینم روبه‌رو شد. پدر و مادرم مخالفتی با حضور شهروز در سپاه نداشتند. آنها با این تصمیم شهروز با حسن نیت برخورد کردند و گفتند کار خیری است. امری است که خدمت به اسلام و مردم را در پی دارد.

> ما خودمان را برای هر اتفاقی آماده کرده بودیم. وقتی شهروز می‌خواست وارد سپاه شود این موضوع را با پدر و مادرم مطرح کرد و از آنها اجازه گرفت و با استقبال والدینم روبه‌رو شد. پدر و مادرم مخالفتی با حضور شهروز در سپاه نداشتند. آنها با این تصمیم شهروز با حسن نیت برخورد کردند و گفتند کار خیری است. امری است که خدمت به اسلام و مردم را در پی دارد

به نظر شما چه ویژگی اخلاقی در وجود برادرتان ایشان را به این عاقبت به‌خیری رساند؟

شاید یکی از برجسته‌ترین شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری برادرم همان اخلاصش باشد. شهروز برای رضای خدا کار می‌کرد. همین باعث شد که خیلی زود طعم شهادت را بچشد. از دیگر ویژگی‌های برادرم مهربانی و خوش‌اخلاقی ایشان بود. انسانیت در وجود برادرم موج می‌زد. پاک بود و خودش را برای خدا خالص کرد. همه می‌دانستیم که شهروز آرزوی شهادت دارد. همرزمی و همراهی با حاج‌قاسم سلیمانی از افتخارات برادرم بود. شهروز ارادت زیادی به امام خامنه‌ای و سردار سلیمانی داشت. برادری متواضع، مؤمن، شجاع و باایمان بود. شهروز صابر بود. بسیار بر مسائل و مشکلات صبر پیشه می‌کرد. رابطه‌ای که با والدین‌مان داشت برای من بسیار مورد توجه و احترام بود. بعد از خداوند به پدر و مادر احترام می‌گذاشت و از پدر و مادر تبعیت می‌کرد. وقتی هم که وارد سپاه شد و با فرمانده بزرگوارشان همراه شد، این اخلاق خوب و شایسته‌اش بیشتر و بیشتر بروز کرد. کمک حال نیازمندان بود و به آنها از نظر فکری و عملی کمک می‌کرد. برایش فرق نداشت که فرد مورد نیاز آشناست یا غریبه. وقتی می‌دید کسی نیاز به کمک دارد کمک می‌کرد. نسبت به اطرافیان بی‌تفاوت نبود. در جامعه امروز نیاز به چنین افرادی داریم که با این تفکر زندگی و از همدیگر دستگیری کنند.

چطور برادری برای شما بود؟ چقدر با هم رفیق بودید؟

من و شهروز به لحاظ سنی بسیار به هم نزدیک بودیم و همین نزدیکی و خصوصیاتی که برای‌تان برشمردم باعث شده بود قبل از هر رابطه نسبی با هم رفیق و دوست باشیم. با اینکه مشغله کاری‌اش زیاد بود و شاید در هفته چند ساعت بیشتر ایشان را نمی‌دیدیم اما شهروز در همین چند ساعت بهترین لحظات را برای خانواده رقم می‌زد.

در حال و هوای رفاقتی که با هم داشتید برادرتان در مورد شوق شهادت با شما صحبت می‌کردند؟

بله. شهروز طالب شهادت بود اما به دو دلیل زیاد از شهادت حرف نمی‌زد؛ اول اینکه نمی‌خواست ریا و تظاهر شود و علت دوم این بود که نمی‌خواست باعث ناراحتی اطرافیان شود اما برحسب رفاقتی که با هم داشتیم از زیبایی شهادت شهید حججی خیلی حرف می‌زد، می‌گفت این شهید بزرگوار چقدر مظلومانه و زیبا شهید شد. برادرم آرزوی چنین شهادتی را داشت و از خدا می‌خواست در مسیر جهاد در راه اسلام و رهبر عزیزمان به این درجه برسد که خدا را شکر روزی‌اش شد. حقیقت این است اگر چه به لحاظ جسمی از ما دور است اما به لحاظ روحی به ما نزدیک است. برادرم بعد از شهادتش بزرگ شد. هر بار شهروز به مأموریت می‌رفت، ما خودمان را برای شنیدن خبر شهادتش آماده می‌کردیم و از طرفی تصور اینکه با شهادت جسمش از ما گرفته خواهد شد، کمی سخت بود. شهروز عاشقانه شهادت را دوست داشت و به خواست خدا به این عاقبت به‌خیری رسید.

شهید هادی طارمی در کنار شهید شهروز مظفری‌نیا

۱۳ دی ۹۸ روزی بود که شهروز به آرزویش رسید. خانواده چه عکس‌العملی داشتند؟

واقعاً آن روز، روز سختی بود. شنیدن خبر شهادت حاج‌قاسم سلیمانی برای همه خانواده تکان‌دهنده و بهت‌آور بود. مالک اشتر زمان، سرباز دلاور رهبر به دست پلید امریکایی‌های تروریست به شهادت رسید. ما وقتی این خبر را شنیدیم گفتیم حتماً وقتی شهروز همراه ایشان بوده به احتمال زیاد برای او هم اتفاقی افتاده است. پیش از اینکه شهادتش را اعلام کنند ما خودمان را مهیای شنیدن خبر شهادت شهروز کردیم. مادر و پدرم گفتند شهروز همراه سردار بود، پس او هم شهید شده است! مادر و پدرم قبل از اینکه خبر شهادت شهروز را بشنوند، با شنیدن خبر شهادت سردار منقلب شدند. اگرچه عظمت شهادت شهید حججی همیشه برای شهروز مثال‌زدنی بود اما شهادتی برجسته‌تر برای خودش رقم خورد. برادرم شهروز تحلیل جالبی در مورد وضعیت جبهه مقاومت و منطقه داشت. می‌گفت امریکا ۱۸ سال پیش به منابع نفتی منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران طمع داشت اما با درایت رهبری دستانش قطع شد. بعد دست به کار شد و با راه‌اندازی جنگ‌های منطقه‌ای و با دست نشاندن دولت‌های وابسته به صورت کدخدامنشی سعی کرد سیطره پیدا کند. ملت‌ها را به جنگ می‌کشاند و آدم‌ها را می‌کشد تا هم به هدفش برسد و هم سلاح‌های خودش را بفروشد و جیب یهودی‌های صهیونیست را پر کند. امریکا با راه‌اندازی گروه‌های خونریزی مثل داعش سعی کرد به این اهداف دست پیدا کند.

شهروز چه آرزویی برای مردم و کشورش داشت؟

ما جنگی با امریکا نداشتیم. آیا به پایگاه‌های‌شان که جنگ را پشتیبانی می‌کردند حمله‌ای کرده بودیم؟ نه! ما تا آن روز کاری با این پایگاه‌ها نداشتیم، حتی یک گلوله هم شلیک نکردیم اما آنها سردار عزیز ما را به شهادت رساندند. چون جبهه مقاومت و فرماندهان این جبهه دشمن داعش بودند اما اینها در امپراتوری رسانه‌ای‌شان، خودشان را خوب جلوه می‌دهند و امریکا را در اذهان مردم زیبا جلوه می‌دهند. شهروز آرزوی‌های زیادی در سر داشت. آرزوی شهروز این بود قبل از نابودی امریکا و اسرائیل مردم باید به خودشان بیایند. مردمی که تحت سیطره این رسانه‌ها هستند باید بیدار شوند و به جرئت می‌توان گفت این تشییع جنازه بین‌المللی شهید سلیمانی باعث بیداری مردم شد. این حضور عظیم نشان‌دهنده این است که ملت‌ها در حال بیدار شدن هستند و همه اینها ثمره خون شهدای مقاومت و شهدای اخیر است که با هم تلفیق شد و بیداری عظیمی را به ثمر نشاند. حتی ملت امریکا هم بیدار شد و متوجه این مسئله شد که دولت مستکبری که بر آنها حکومت می‌کند با روش ترور و غارت اهداف خود را دنبال می‌کند. شاید این انتقام سخت و سیلی که رهبری به آن اشاره کردند همین باشد که دولت‌های استکبار از جمله امریکا و اسرائیل توسط ملت‌هایشان بیدار شوند و به پا خیزند چراکه امریکا خودش منطقه را وارد جنگ کرد و این اتفاقات اخیر به وقوع پیوست.

شهید شهروز مظفری‌نیا

> شهروز طالب شهادت بود اما به دو دلیل زیاد از شهادت حرف نمی‌زد؛ اول اینکه نمی‌خواست ریا و تظاهر شود و علت دوم این بود که نمی‌خواست باعث ناراحتی اطرافیان شود اما برحسب رفاقتی که با هم داشتیم از زیبایی شهادت شهید حججی خیلی حرف می‌زد، می‌گفت این شهید بزرگوار چقدر مظلومانه و زیبا شهید شد. برادرم آرزوی چنین شهادتی را داشت

حضور حداکثری مردم در تشییع پیکر شهدا را چطور دیدید؟

درست است که ما خانواده شهدا غم فراق داریم اما این تشییع باشکوه باعث تسلی خاطر ما و باعث افتخار ما شد. مردم ایران سنگ تمام گذاشتند و به صورت میلیونی حضور پیدا کردند و این حضور فراتر از هر تصوری بود. همه اینها ناشی از اخلاصی بود که این شهدا در عمل داشتند. برکت هدفی الهی بود که خداوند مزدشان را این‌گونه با شهادت داد. برادرم در نهایت همان‌طور که دوست داشت در بقعه حرم بانوی کرامت حضرت معصومه (س) آرام گرفت اما دشمنان بدانند که خط جهاد و شهادت همچنان ادامه دارد.

در پایان اگر صحبتی دارید، بفرمایید.

من به عنوان برادر شهید مدافع حرم از شما خواهش می‌کنم هدف این شهدای عزیز مغفول نماند. اینکه همگان بدانند اینها برای چه اهدافی به عراق و سوریه می‌رفتند و با دشمن تکفیری می‌جنگیدند و به دست چه کسانی به شهادت می‌رسیدند. اینا به دست امریکایی به شهادت رسیدند که به اذعان خودشان پدیدآورنده گروه کثیف داعش هستند. مردمان مظلوم منطقه وقتی از حاج‌قاسم کمک خواستند، ایشان و مدافعان حرم راهی شدند و برایشان مذهب و شیعه و غیرشیعه تفاوتی نمی‌کرد. حاج‌قاسم فراتر از دین و مذهب نگاه می‌کرد. ایشان انسان‌ها را برای انسان بودنشان نگاه می‌کرد اما امریکا که خودش را مدافع حقوق بشر می‌داند، ضد بشریت عمل کرد، ما کدام را قبول کنیم؟ کدام را باور کنیم؟ ملت‌ها باید به فکر بیفتند. برخی هم می‌گویند چرا مرگ بر اسرائیل و مرگ بر امریکا می‌گویید؟! خب شما همین حوادث اخیر را مرور کنید متوجه می‌شوید. اینکه آنها در آسیا و خاورمیانه که منابع غنی نفتی وجود دارد، دست به دزدی و چپاول می‌زنند، داعش را درست می‌کنند و به جان مسلمانان می‌اندازند تا بتوانند به اهداف پلیدشان دست پیدا کنند بهترین دلیل برای شعار مرگ بر امریکاست. این تروریست‌های امریکایی خودشان مسئولیت ترور سردار سلیمانی را به عهده گرفتند و وزارت دفاع امریکا در بیانیه‌ای اعلام و رسماً اعتراف کرد اما آنها نمی‌دانند که با شهادت مظلومانه سردار حاج‌قاسم سلیمانی هزاران چشمه نور و بصیرت و استقامت از ایران و عراق جوشیده است و خون غیرت جوانان مسلمان جهان و دلبستگان این سردار رشید اسلام به جوش آمده و برای انتقام آماده است.

جوابیه

بنیاد شهید به مصاحبه «جوان» پاسخ داد

مدعی نیستیم اثری بی‌نقص داریم!

در پی انتشار گفت‌وگوی سرویس ایثار و مقاومت روزنامه «جوان» با پدر شهید علیرضا افشار در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۹۸ و طرح گلایه‌های ایشان از اشتباهات موجود در کتاب «فرهنگ اعلام شهدای تهران بزرگ» مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ جوابیه‌ای به دفتر روزنامه جوان ارسال کرده است. جوابیه بنیاد شهید به شرح زیر است:

مرکز مطالعات و پژوهش‌ها با توجه به جامعه آماری گسترده مداخل آن، به هیچ رو مدعی نیست که اثری بی‌نقص در این زمینه ارائه کرده است.

در قسمت دیگری نیز آمده است: این مرکز از تمامی افرادی که در خصوص مداخل مجموعه کتب منتشر شده در چاپ اول این طرح اطلاعات کامل‌تری دارند دعوت می‌کند تا همراه مستندات و نحوه آشنایی و نسبت خود با شهدای مورد نظر برای غنی‌سازی و تکمیل مجلدات در ویراست‌های بعدی به یاری ما بشتابند. همان گونه که ذکر شده این مجلدات به صورت اولیه و تیراژ محدود (۲۰۰ نسخه) با هدف اخذ، ثبت و ویرایش اطلاعات دقیق شهدای معظم به صورت مرجع چاپ و صرفاً در اختیار رؤسای بنیاد شهید و امور ایثارگران مناطق و مراجع لازمه قرار گرفته است. علی‌ایحال درخواست می‌نماید در صورت بررسی و برخورد با هر گونه اطلاعات اشتباه مراتب را به این اداره کل و مناطق تابعه اعلام کنند و این اداره کل نیز تمامی ساز و کارهای لازم را در جهت تصحیح اطلاعات به کار خواهد گرفت.

جوان: ذکر این نکته ضروری است که برخی اشتباهات مندرج در کتاب، آن‌قدر فاحش است که ما را بر آن داشت مسئولان امر را دعوت به تجدیدنظر اساسی در خصوص تهیه و چاپ چنین آثاری بکنیم. به عنوان نمونه در بخشی از گلایه‌های پدر شهید افشار آمده بود: «در جلوی اسم علیرضا نوشته که خواندن و نوشتن نمی‌دانست. علیرضا در شبکه خبر، خبرنگار بود و گزارش‌هایش را تمام مردم می‌دیدند، چطور سواد خواندن و نوشتن نداشت...»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۸۵۷

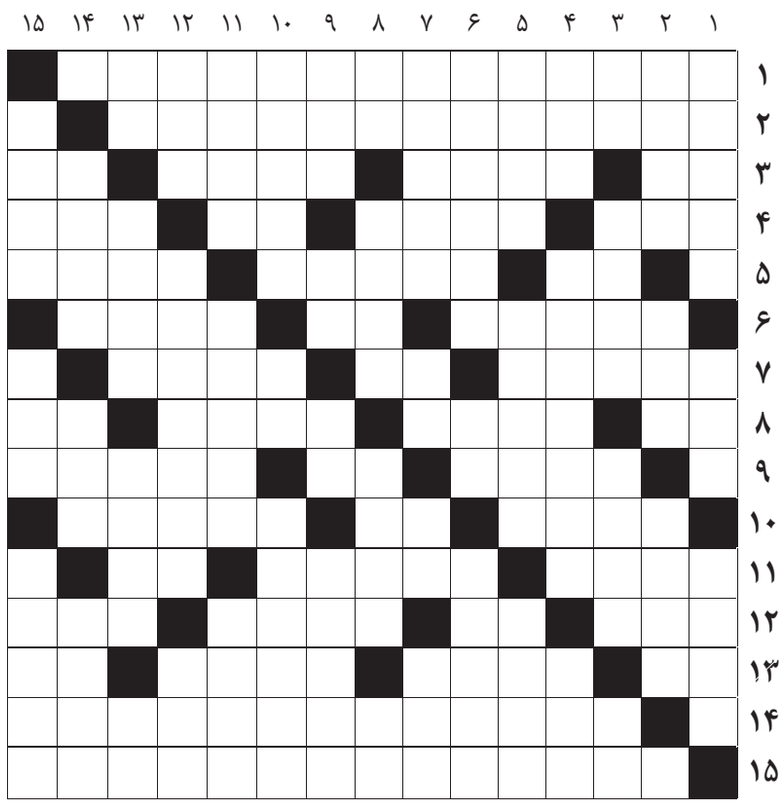

از راست به چپ

■ ۱- از فکر و نظر کسی مطلع شدن ■ ۲- تیم فوتبالی معتبر در لالیگای اسپانیا ■ ۳- بوی رطوبت- دیرنشین- شکاف باریک- کتف ■ ۴- مرکز استان البرز- از گازها- عمو- آقا و سرور ■ ۵- همراه پت- بی زوال- برگه بهادار ■ ۶- عضو بدن مصنوعی- قافله‌سالار اعداد- خالق طاعون ■ ۷- رودها- اجاق گاز- ناچیز و کم‌بها ■ ۸- رفوزه- پیک کاغذی- فرزند کاوه آهنگر- نوع میان‌تهی ■ ۹- لاک پشت- خط کش مهندسی- روشن ■ ۱۰- همیشگی- پادگان تهران- آب کم‌عمق ■ ۱۱- سرسری- از ملزومات نقاشی- مساوی ■ ۱۲- یک پنجم مال- هر یک از دو سطح سکه- پول آذربایجان- کوهی مشرف بر یاسوج ■ ۱۳- انتها- گریه و زاری- رشوه دادن- شهر آرامگاه پروین اعتصامی ■ ۱۴- منشی و تاریخ‌نگار دوره صفوی صاحب عالم آرای عباسی ■ ۱۵- از بناهای ماندگار خوزستان

از بالا به پایین

■ ۱- آش هفت دانه- پادشاه اشکانی- بیرون کشیدن تیغ از نیام ■ ۲- عیب‌پوش- نصیحت- نوعی غذای ایرانی ■ ۳- تپه و پشته- سنگ‌ریزه- جعبه- برگ برنده ■ ۴- کوهان بلند- وسع و قدرت- بافت بدن ■ ۵- نام قدیم تایلند- از بیماری های چشم- بازار کساد ■ ۶- سوار بی همتا- ماه کارگری- درد شکمی ■ ۷- نوار افتتاح- پاروی قایقرانی- پوشش چهارپا- راستی و درستی ■ ۸- رئیس جیمزباند- دروازه بان تیم ملی آلمان- بدل از وضو- در قدیم همه راه‌ها به آن ختم می‌شد ■ ۹- شهری در سیستان- تردید- تهوع- جمع منبع ■ ۱۰- امانت- قدرت و توان- تاریخ‌ها ■ ۱۱- اقیانوس کبیر- کاغذ نسخه‌برداری- سپاسگزاری ■ ۱۲- شهری نزدیک اردبیل- عمران و آبادسازی- امت‌ها ■ ۱۳- وحشی- سخن بیهوده- واحدی در طول فرنگی- سایه ■ ۱۴- نام قدیم مشکین شهر- تاراج- اطلس و نمودار ■ ۱۵- نمره معین برای پرسش امتحان- پوییدن، تند راه رفتن- فلاتی در آسیا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۵				۶		۱
۹			۱		۷			
		۳	۲			۷		
۵							۸	
۷		۸						
			۶		۴			
	۳			۷				۶
	۲					۹		۵
				۱	۳			

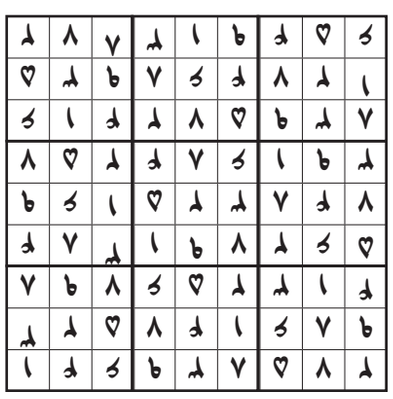

جدول کلمات متقاطع
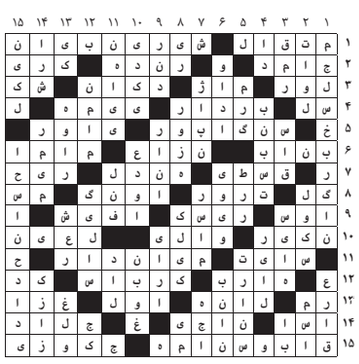
پاسخ جدول شماره ۵۸۵۶